

مطالعه رابطه بین شیوه‌های حل تعارض والدین و حمایت اجتماعی خانواده با احساس تنهایی فرزندان

وحید خوش روش^۱، فرانگیز رحمتی^۲، زهرا مشایی^۲، آزاده ارجمندی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین شیوه‌های حل تعارض والدین و حمایت اجتماعی خانواده با احساس تنهایی فرزندان مورد مطالعه قرار گرفته است. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه آخر مقطع دبستان شهر رشت، که با توجه به نوع پژوهش و تعداد متغیرها به روش تصادفی خوشه‌ای ۲۰۰ نفر بعنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب گردیده است. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های؛ حمایت اجتماعی - مقیاس خانواده (۱۹۸۸)؛ شیوه‌های حل تعارض والد - فرزند اشتراوس (۱۹۹۰) و مقیاس احساس تنهایی اشیر و همکاران (۱۹۸۴) استفاده شده است. داده‌های آماری به روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد رابطه بین شیوه‌های حل تعارض والدین و حمایت اجتماعی خانواده با احساس تنهایی فرزندان از نظر آماری معنی‌دار بوده و استدلال مادر بعنوان قویترین متغیر پیش‌بین توانسته است، ۱۱ درصد واریانس احساس تنهایی فرزندان را تبیین کند. استدلال پدر نقش معنی‌داری در تبیین واریانس احساس تنهایی فرزندان نداشت.

واژگان کلیدی: شیوه‌های حل تعارض، والدین، حمایت اجتماعی خانواده، احساس تنهایی.

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی

مقدمه

سرد تبدیل می‌کند. وجود تعارض بیش از حد در محیط، فرد را دچار تغییرات فیزیولوژیکی می‌کند و اگر مدت زیادی این تغییر در سیستم روی دهد، تعادل هورمونی ممکن است مختل شود. اگر برخورد درستی با تعارض نشود، آثار منفی آن بر جای خواهد ماند. تعارض ممکن است مانند سدی جلوی ارضای نیازها را بگیرد و موجب کاهش علاقه و انگیزه افراد شود و همچنین جلوی همکاری و کنترل مؤثر را بگیرد (کوروش‌نیا، ۱۳۸۵: ۷۹).

تعارض جزء لاینفک و گریزناپذیر روابط خانوادگی است. هر چه روابط صمیمانه‌تر باشد، احتمال تعارض بین‌فردی بیشتر می‌شود. اگر بخواهید روابطتان پویا و جو خانه آرام‌تر باشد، باید تعارض را به شیوه مناسب حل کنید. هر سبک حل تعارض شامل دو هدف تا حدودی متناقض است؛ نگرانی برای خود و نگرانی برای دیگری. نگرانی برای خود به وسیله میزان پرخاشگری فرد اندازه‌گیری می‌شود و نگرانی برای دیگری بر میزان مشارکت متمرکز می‌شود. این مدل حل تعارض، پنج سبک را مشخص می‌کند: سبک رقابتی، سبک مشارکتی، سبک توافقی، سبک اجتنابی و سبک انعطاف‌پذیر (مرادی و ثنایی، ۱۳۸۵: ۲۳). تعارض، جزئی از روابط والدین و فرزندان است و کشمکش یا نزاع میان فرزندان و والدین دور از انتظار نیست اما باید توجه داشت که چنین امری مانع ایجاد روابط مثبت و سازگارانه بین والد و فرزند می‌شود (Siffert & Schwarz, 2011: 21-39).

خانواده به عنوان نخستین محیط اجتماعی که کودک در آن قدم می‌گذارد، نقش اساسی در پیدایی ویژگی‌های فردی و اجتماعی وی دارد. در این میان نقش محوری پدر و مادر در شکل‌گیری این خصوصیات غیرقابل انکار است. روابط نامناسب والدین موجب شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی نامناسب ناخواسته‌ای در نوجوانان می‌شود که سهم عمده‌ای در چگونگی روابط آنان با دوستان و همسالانشان و به طور کلی نحوه پاسخ‌های آنان به موقعیت‌های مختلف اجتماعی خواهد داشت.

ارتباط مؤثر، موجب شکوفایی هویت، کمال انسان و مبنای اولیه پیوند وی با دیگران است. این در حالی است که ارتباطات غیرمؤثر، مانع شکوفایی انسان شده و روابط را تخریب می‌کند. بنابراین اساس زندگی و خوشبختی انسان را همین ارتباط‌های میان فردی تشکیل می‌دهد. اگر در خانواده تنش بین اعضا برقرار باشد، کودک در یافتن هویت خویش، ایجاد روابط مطلوب با دیگران، مقابله صحیح با فشارهای روانی و رشد سالم روانی و رفتاری، دچار مشکل خواهد شد، زیرا محیط خانواده یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری شخصیت کودک و اولین بذر تکوین رشد فردی و پایه و اساس بنای شخصیت آدمی است و کودک در بیشتر حالات خود، مقلد پدر و مادر و رفتار آنها است (یزدان‌پناه و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۶۷).

بدون تردید، اساس تشکیل خانواده مبتنی بر انس، تفاهم، محبت، مودت، همدلی و همکاری است و درگیری و تعارض، گزینه را برای تزلزل خانواده و برهم ریختن ارکان آن فراهم می‌سازد و کانون پرمهر و عطوفت را به محیطی



اهداف تحقیق

- ۱- تعیین رابطه بین شیوه‌های حل تعارض مادر با احساس تنهایی فرزندان؛
- ۲- تعیین رابطه بین شیوه‌های حل تعارض پدر با احساس تنهایی فرزندان؛
- ۳- تعیین رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده با احساس تنهایی فرزندان.

روش تحقیق

با توجه به نوع پژوهش و تعداد متغیرها ۲۰۰ نفر حجم نمونه برآورد گردید و به روش تصادفی خوشه‌ای حجم نمونه انتخاب گردید با توجه به اینکه ممکن است برخی از پرسشنامه‌ها قابلیت استفاده در پژوهش را نداشته باشند، پژوهشگران تعداد بیشتری را انتخاب کردند. به این ترتیب که از دو ناحیه رشت ناحیه ۱ به تصادف انتخاب گردید و از مدارس پسرانه مقطع ابتدایی این ناحیه ۵ مدرسه به تصادف انتخاب شد و از هر مدرسه ۳ پایه آخر در نظر گرفته شده و از حد پایه ۱۴ نفر انتخاب گردید، که جمعاً ۲۱۰ نفر انتخاب شدند ولی ۱۰ پرسشنامه بدلیل محدودیتش از پژوهش حذف شد و ۲۰۰ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت.

بمنظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های؛ حمایت اجتماعی- مقیاس خانواده (۱۹۸۸)؛ شیوه‌های حل تعارض والد- فرزند اشتراوس (۱۹۹۰) و مقیاس احساس تنهایی اشیر و همکاران (۱۹۸۴)، استفاده شد. پرسشنامه‌ها به جهت استفاده متعدد در تحقیقات مختلف روایی آنها مورد تأیید و پایایی آنها از طریق آلفای کرونباخ محاسبه گردید

(حمایت اجتماعی- مقیاس خانواده (۷۷۳ درصد)؛ شیوه‌های حل تعارض والد- فرزند اشتراوس (زایی، ۱۳۸۳) پایایی پرسشنامه برای کل آزمون ۷۴ درصد، و برای خرده مقیاس استدلال ۵۸ درصد، برای پرخاشگری کلامی ۶۵ درصد، و برای پرخاشگری فیزیکی ۸۲ درصد، به دست آورده است. همچنین مرادی، پایایی تست را با استفاده از آلفای کرونباخ ۷۲ درصد برای کل آزمون و برای خرده مقیاس‌های استدلال ۶۱ درصد، و پرخاشگری کلامی ۶۹ درصد، و پرخاشگری فیزیکی ۷۶ درصد گزارش کرده است. در پژوهش حاضر پایایی با استفاده از روش بازآزمایی بر روی ۲۰ نفر از دانش‌آموزان در فاصله یک ماه اجرا شد که نتایجی به شرح ذیل: پایایی برای کل آزمون ۸۲ درصد، برای خرده مقیاس استدلال ۶۳ درصد و برای پرخاشگری کلامی ۵۹ درصد و برای پرخاشگری فیزیکی ۷۹ درصد به دست آمد. روایی محتوایی این مقیاس نیز در پژوهش زایی، مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین مرادی، روایی صوری این مقیاس را با استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور، و همچنین دانشجویان دکتری مشاوره مورد سنجش قرار داده، که روا بودن آن را تأیید کردند؛ مقیاس احساس تنهایی اشیر و همکاران (۸۲۵ درصد). تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از شاخص‌های آمار استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون گام به گام، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. قابل ذکر است که برای انجام تحلیل‌ها از برنامه آماری spss19 استفاده شده است.

تبیین حمایت اجتماعی خانواده

حمایت اجتماعی میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام و کمک دریافت شده توسط فرد از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر اعضای خانواده، دوستان و دیگران می‌باشد. بنابراین حمایت اجتماعی خانواده عبارتند از:

محبت، همراهی، توجه و احترام که فرد از جانب خانواده دریافت می‌کند (Sara fino, 1988: 1013). احساس تنهایی به معنای تفاوت مابین سطح مطلوب و سطح موجود روابط اجتماعی افراد است و هرچه این تفاوت بیشتر باشد احساس تنهایی بیشتر است (Cole, 2003: 103).

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی است که اساس حیات اجتماعی بشر را تشکیل می‌دهد و از مهمترین وظایف آن فرزندآوری و پرورش فرزندان است. یکی از مشکلاتی که گاهی اوقات خانواده در هنگام پرورش فرزندان با آن مواجه می‌شوند نافرمانی و مخالفت فرزندان با خواسته‌های والدینشان می‌باشد که معمولاً در سنین بلوغ و نوجوانی رخ می‌دهد. این اختلافات به این دلیل است که فرزندان با افزایش سن، خواستار دگرگونی‌هایی هستند و در مقابل والدین اغلب تصویری از یک فرزند آرمانی در ذهن خود دارند و همواره فرزند خویش را با آرمان‌های خود مقایسه می‌کنند که این روند به تعارضها و ناسازگاری‌ها بین والدین و فرزندان دامن می‌زند (سموعی، ۱۳۸۲: ۱۱۷).

تعارض بین والدین و فرزندان همچنین می‌تواند نتیجه تفاوت درک و تصور والدین و فرزندان باشد زیرا در بین آنها حدود ۲۰ سال تفاوت سنی وجود دارد با توجه به تغییرات سریعی که در عصر ما رخ می‌دهد و جامعه در طول آن

تغییر کرده است. فرزندان در شرایط متفاوت اجتماعی واقع شده‌اند و تصور آنها از خودشان بعنوان جوان و انتظاراتشان از والدین و دیگران بصورت دیگری شکل گرفته ولی والدین از جوان همان تصور جوانی دوران خود را دارد. این تصورات و انتظارات متفاوت منجر به عدم تفاهم والدین و فرزندان جوان می‌شود (مرادی و ثنایی، پیشین: ۲۳). علاوه بر شیوه حل تعارض، متغیر دیگری که می‌تواند در سازگاری و سلامت روانی فرزندان نقش داشته باشد حمایت اجتماعی خانواده است.

به نظر دیماتو (۱۹۹۱)، حمایت اجتماعی یاری شدن یا حمایت شدن از جانب افرادی نظیر دوستان، خانواده، همسایه و همکاران می‌باشد که کمک‌های مادی و یادآوری‌هایی را مبنی بر اینکه شخص یک موجود با ارزش و محترم است شامل می‌شود. حمایت اجتماعی میزان برخورداری از محبت همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمک دریافت شده توسط فرد از سوی کسی یا گروه‌های دیگر نظیر اعضای خانواده و دیگران مهم تعریف کرده‌اند. حمایت اجتماعی بعنوان یکی از معروفترین و ممتازترین طریقه‌های کنار آمدن با تنهایی و ناامیدی به ثبت رسیده است (ovayoluo & Pehlivans, 2011: 733).

شیوه حل تعارض خانواده

روابط صمیمانه بین دو نفر با عقاید، زندگی و رویاهای مختلف شکل می‌گیرد. بر این اساس و به نظر پیستوله و آریکاله (۲۰۰۳)، تعارض، داشتن پتانسیل آفرینش و ثبات در رابطه است. بنا به تعریف مارچند و هاگ (۲۰۰۰)، راهبردهای حل مسأله بیانگر رفتارهای بین فردی است که



نوجوانان، اصرار و کناره‌گیری، با توجه به اینکه مشروط به رفتار طرف مقابل است، پدیده‌ای سیستمی است. اصرار باعث افزایش کناره‌گیری شده و کناره‌گیری، اصرار و پافشاری بیشتر را به دنبال دارد (Elliot, 2002: 804). این نوع رابطه، نشانگر یک تعامل منفی است که احتمالاً با رضایت زناشویی پایین همراه است. مطالعات مشاهده‌ای روی زوج‌ها نشان می‌دهد که به هنگام وقوع تعارض مردان بیشتر به کناره‌گیری رو می‌آورند تا زنان (کرامتی و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۶).

اجتناب: به اعتقاد الیوت، اجتناب از تعارض متأثر از قدرت طرفین و گاهی با عدم شکایت طرف پایین‌تر همراه است. قدرت بین فردی به صورت میزان تأثیر یکی بر دیگری تعریف می‌شود. این تأثیر به واسطه کنترل پاداش و تنبیهی است که در رابطه مبادله می‌شود (Elliot, Ibid: 804). تحقیقات نشان داده است که اجتناب از تعارض با میزان ارتباطی که در رابطه رخ می‌دهد، رابطه دارد. به هر حال، اجتناب ممکن است کارکردها و تسلسل‌های مختلفی در خانواده‌ها داشته باشد (Fitzpatrick, 2004: 115). در مطالعه‌ای که مس، انجام داد نشانگان افسردگی مشخص شده در مردان و زنان، نتیجه اجتناب از تعارض بوده است؛ که این نشانگان در زنان بیش از مردان بوده است (Mas, 2000: 153).

زوج‌ها برای مقابله با عدم توافق‌ها و جر و بحث‌هایی که اتفاق می‌افتد، انجام می‌دهند. به طور کلی، افراد یا ترجیح می‌دهند از مواجهه با چنین موقعیت‌هایی اجتناب کنند و یا اینکه سعی می‌کنند تا عقیده خود را نیز به طرف مقابل بگویند و سعی در پیدا کردن راه حل مناسب تلاش کنند (کورشنیا، پیشین: ۷۹).

ابعاد مختلف تعارض زناشویی، مثل تناوب^۱، شدت^۲، نحوه بیان^۳، محتوا^۴، راه‌حل و درگیر بودن کودکان^۵ با ناسازگاری^۶ کودکان رابطه دارد (Foley, 2008: 157). مطالعه انجام شده توسط آلیسون نشان داد که تعارض مؤلفه‌ای اساسی در روابط والد-نوجوان است. به هر حال، مطالعات دیگری نیز انجام شده است که تعارض پایدار بین والدین و نوجوانان با سلامت هر دو طرف و رضایت از ارتباطی رابطه وجود دارد (Allison & Schultz, 2004: 101). به علاوه، بروز رفتارهای خاص در حین تعارض می‌تواند به عدم سازگاری نوجوانان و روابط آشفته والد-نوجوان بیانجامد. این حالت بیشتر وقتی اتفاق می‌افتد که دو طرف به تحقیر یکدیگر بپردازند (میرزاجانی، ۱۳۹۴: ۴۷). انواع روش‌های حل تعارض، بدون توجه به نتایج مثبت و منفی آن، در زیر آمده است:

اصرار و کناره‌گیری: الیوت، این حالت را در مواقعی که یکی از طرفین در مقابل دیگری پا پس کشیده یا ساکت می‌شود، صادق می‌دانند. در مطالعه خود روی والدین و

¹ Frequency

² Intensity

³ Mode of Expression

⁴ Content

⁵ Children's Involvement

⁶ Maladjustment

آلستروم دریافت، پیام‌هایی که همراه با شوخی منتقل شده‌اند مثبت‌تر از همین پیام‌ها بدون مایه‌های طنز بوده‌اند. به علاوه، وقتی که از شوخی به شکلی مثبت و در موقعیتی مناسب استفاده می‌شود، تأثیر مثبت آن بیش از تأثیرات منفی خواهد بود (Alestrom, 2000: 508). این نکته در مطالعه گاتمن و درایور، هم تأیید شده است که، استفاده از شوخی و طنز در شرایط تعارضی، پیش‌بین خوبی برای رضایت و ثبات زناشویی خواهد بود (Gottman, 2014: 737 Driver & 737).

حل مسأله: حل مسأله، به عنوان راهبردی برای حل تعارض، مستلزم به کارگیری تجارب اعضای واحد تصمیم‌گیری است. بسته به علت بروز تعارض، اعضای خانواده از راهبردهای تصمیم‌سازی گوناگونی بهره می‌گیرند. به طور کلی، این راهبردها رفتارهای بین فردی را منعکس می‌کنند. بحث روی واقعیت‌ها صورت می‌گیرد و براساس توافق بین اعضا گزینه‌هایی انتخاب می‌شوند (Gottman, Ibid: 740).

رابطه موفق زن و شوهری: زن و شوهر باید توقع و سلیقه‌های خاص خود را مورد بازبینی قرار دهند و شیوه‌های خاص خویش را برای پردازش اطلاعات، برقراری روابط دوستانه و نحوه برخورد با عواطف پدید آورند. آنها باید در مورد میزان نزدیکی، سلسله مراتب، حریم‌های اختصاصی و الگوهای همکاری با یکدیگر قواعدی را وضع کنند. هر یک از آنها موظف است با استفاده از روابط عادی، ارزش‌های مشترک و گوش دادن به آنچه که برای طرف دیگر مهم است و توافق راجع به نحوه برخورد با مواردی که طرفین نسبت به آنها نظر متفاوتی دارند، توانایی درک حال و هوا و روحیه دیگری را در خود ایجاد کند. صرف‌نظر از

پرخاش کلامی و غیرکلامی: مطالعه‌ای که مک دونالد، روی خشونت خانوادگی انجام داد، نشان داد که میزان پرخاشگری یا سوء استفاده کلامی، در تعارضات خانوادگی بیش از تعارض با غریبه‌ها است. دلیل آن احتمالاً راحت بودن مقابله با قوانین و شرایط خانوادگی در مقایسه با قوانین جامعه است. این تحقیق نشان داد که افراد برای چالش با اعضای خانواده خود آماده‌ترند، تا با غریبه‌ها. اما خشونت فیزیکی بر عکس است و تحمل آن در محیط خانوادگی کمتر از محیط بیرون است (Macdonald, 2011: 156). جلداین تأکید کرد که خشونت راهبرد مقابله‌ای مردان در شرایط تعارض آمیزی است که نتیجه عدم کنترل یا ناتوانی در کنترل زن می‌باشد. او می‌گوید که خطر پرخاشگر در جوامعی که خشونت یک هنجار پذیرفته است، بیشتر است. به علاوه، سطح بالای قدرت زن می‌تواند سپر حمایتی او در برابر خشونت شریک زندگی‌اش باشد (Gliadin, 2006: 942).

سرزنش: سرزنش اسنادی است قدرتمند، که در صورت ابراز، به ایجاد عواطفی مانند شرم، احساس گناه، گرفتن موضع دفاعی می‌انجامد. بروز همین عواطف، حل مشکل را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. سایر پیامدهای این پدیده این است که در صورت الگو شدن این کار، مقاومت در برابر تغییر ایجاد خواهد شد (Fraley & Others, 2000: 350).

شوخی کردن: شوخی کردن می‌تواند کارکردهای مثبت و منفی داشته باشد (Doyle, 2003: 153). به هر حال، اگر یک شوخی از طرف مقابل سوء برداشت شود، می‌تواند مجادله‌های بزرگی به دنبال داشته باشد. گیرنده ممکن است این شوخی را به عنوان یک حمله شخصی تلقی کند.



(کنترل) و خودمختاری (مشارکت آزادانه) است. سبک والدینی مستبد نیز دارای سه مولفه اجبار فیزیکی، خصومت کلامی تنبیهی و غیرتوضیحی است (George, 2004: 329).

ویژگی ارتباط (حمایتی و پذیرا) که حمایت هیجانی، ارتباط دو سویه، محیطی منعطف، همراه با پاسخ‌دهی والدین را شامل می‌شود. ویژگی نظم (کنترل) در سبک اقتدارمنش، پاسخ‌دهی منطقی برای انجام امور، فراهم‌سازی محیطی برای مشخص شدن نتایج رفتار در فرزندان می‌باشد و ویژگی خودمختاری، فراهم نمودن محیطی برای بیان احساسات و عقاید فرزندان و استفاده از نظرات آنان در ایجاد قواعد خانوادگی است (Hatrun & Laurson, 1993: 44). بعد اجبار فیزیکی به معنای به کارگیری فراوان تنبیهات نامشخص و خشن، همراه با کنترل زیاد و پذیرندگی پایین برای فرزندان می‌باشد.

بعد خصومت کلامی با به کارگیری انتقادهای مخرب برای ایجاد نظم در فرزندان مشخص می‌شود و بعد غیرتنبیهی توضیحی- تنبیهی با به کارگیری تنبیهات و حقیرکردن فرزندان با ارائه توضیحی بسیار اندک و یا بدون آن می‌باشد (Laible & Thompson, 2002: 1187). و در نهایت ویژگی بی‌توجهی که ارائه خواسته‌های اندک همراه با محدودیت‌های بسیار کم از فرزندان را شامل می‌شود (Lamborn & Others, 1991: 1049).

از سوی دیگر پیترسن، دوره نوجوانی را مرحله‌ای از زندگی می‌داند که با تغییرات زیست‌شناختی شروع شده و با تغییرات اجتماعی به پایان می‌رسد. نوجوانی دوره‌ای از زندگی است که در آن تغییرات بسیاری در فرآیندهای زیستی، شناختی، روانی و اجتماعی به وقوع می‌پیوندد و

این موارد، زن و شوهر باید با نحوه برخورد با اختلاف‌ها که بی‌شک هنگام تشکیل هر واحد جدید توسط دو نفر، رخ می‌دهد، آشنا باشد. توسعه الگوهای پایدار و معتبر برای بیان اختلاف و حل مشاجره‌ها نقش حیاتی در مرحله تشکیل خانواده ایفا می‌کند. مهارت‌های اصلی لازم برای به ثمر رسیدن تکالیف این زیر منظومه عبارت است از مکملیت و برون‌سازی متقابل. یعنی زن و شوهر باید الگوهایی به وجود آورند که در آن هر کدام عملکرد دیگری را در بسیاری زمینه‌ها حمایت کند. باید الگوهای مکملیتی به وجود آورند که به هر کدام از آنها این امکان را بدهد که تسلیم شود، بی‌آنکه احساس کند تسلیم شده است. هم زن و هم شوهر باید بخشی از مجزا بودن خود را برای کسب تعلق از دست بدهند. پافشاری زن و شوهر در حفظ حقوق مستقل خود، ممکن است زیر بار به هم وابستگی رفتن را در یک رابطه قرینه، مختل کند (فیشمن و مینوچین، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

دانش‌آموزان با والدین مقتدر بیشتر از دانش‌آموزان با والدین مستبد و سهل‌گیر، از شیوه حل مسئله در شرایط استرس‌زا، استفاده می‌کنند و ارتباط منفی معناداری بین رضایتمندی از ارتباط والدین با احساس تنهایی وجود دارد (هیبتی، ۱۳۸۱: ۸۹). والدین سهل‌گیر، هیچگونه کنترلی بر روی کودکان خود ندارند و این کودکان کمترین میزان اعتماد به نفس، کنجکاو و خود کنترلی را در هر گروهی از خود نشان می‌دهند و در کنترل تکانه و تشخیص و تشخیص ارزش‌ها از ضد ارزش‌ها مشکل دارند (Baumrind, 1971: 109). سبک فرزندپروری مقتدر دارای سه بعد یا مولفه ارتباطی (حمایتگر و پذیرا)، نظم

از نظر شینر و کاسپی، دو گونه شناخت را می‌توان از هم متمایز کرد. نخست شناخت غیراجتماعی یا شناخت سخت و دوم شناخت اجتماعی یا شناخت هنجار. شناخت غیراجتماعی در رابطه با کلمات، تصاویر، اعداد و به طور کلی اشیاء بی‌جان است. در حالی که شناخت هنجار شامل تفکر درباره انسان‌ها و روابط با یکدیگر و مقولات و زیر مقولات متعدد و گسترده‌تر است (Shiner & Caspi, 2003: 44). پس ادراک یک نوجوان از سبک فرزندپروری والدین خود تأثیر بسزایی در شناخت اجتماعی و روابط او دارد. آکوئلینو و ساپل نیز بیان می‌دارند، نوجوانانی که والدین خود را آزادمنش، گرم و حمایتی ادراک می‌کنند، سازگاری بهتری (اعتماد به نفس بالاتر، احساس رضایت بیشتر از دوستان و زندگی عاطفی، تحریک‌پذیری کمتر) را در پنج سال بعدی زندگی خود تجربه خواهند کرد (Aquilino & Supple, 2001: 289). پور عبدی بیان می‌کند، بین ادراک دانش‌آموز از شیوه‌های فرزندپروری (اقتدار منطقی، استبدادی و سهل‌گیر) با امکان کنترل او رابطه معناداری وجود دارد (پور عبدی، ۱۳۸۱: ۶۴)، اما رضایی در تحقیق خود نشان داد بین شیوه فرزندپروری استبدادی مادران و بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان در کلیه پایه‌ها رابطه وجود ندارد (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۸). هواسی بیان داشت، روش فرزندپروری مستبد با خانواده‌های دارای نوجوان معتاد، رابطه مثبت دارد (هواسی، ۱۳۸۰: ۳۶). برخی از پژوهش‌ها نشان دهنده آن بوده است که برداشت و ادراک دانش‌آموزان از روابط با والدین، پیش‌بینی کننده بهتری برای رضایتمندی آنان از زندگی محسوب می‌شود (آقا محمدیان و حسینی، پیشین: ۱۱۷).

تمایل برای برقراری رابطه صمیمانه و خودافشایی افزایش می‌یابد (Petersen, 1988: 583). همچنین احساس ناپیوستگی باعث بروز تنهایی و در برخی همراه با دیگر مشکلات شدید سازگاری مانند: سوء مصرف مواد، بزهکاری، افسردگی و خودکشی مرتبط است (آقا محمدیان و حسینی، ۱۳۸۴: ۱۸۵). اله‌گین تنهایی را به عنوان تجربه‌ای منفور، پریشان کننده و ناخوشایند بیان می‌دارد که باعث می‌گردد نوجوان احساس حقارت کرده و حالات خلقی ناراحت کننده‌ای را تجربه کند، شاید تنهایی، نتیجه تعامل‌های بین کودک و سبک‌های فرزندپروری والدین است (Elhageen, 2004: 631). اندرسون و دیل احساس تنهایی را بر پایه سه مؤلفه شناختی، خلقی و رفتاری تعریف می‌کنند. گزارش کرده‌اند که بین احساس تنهایی و شرمساری، همبستگی مثبت از ۴۰ تا ۵۱ درصد وجود دارد. همچنین بین احساس تنهایی و اضطراب بالا به ویژه به لحاظ اجتماعی همبستگی وجود دارد (Anderson & Dill, 1998). موری نشان داده که ارتباط مثبت معناداری بین احساس تنهایی و اضطراب حالت و صفت وجود دارد (Moore, 1983: 95). هارت و رایزلی شناخت اجتماعی را دارای چند جنبه می‌دانند: ادراک خود، ادراک دیگری، ارتباط و قراردادهای نظم‌بخش ارتباط خود با دیگران. از نظر آنان، ادراک اجتماعی، میانجی کودک با عوامل اجتماعی‌ساز جامعه است. به اعتقاد وی، فرآیندهای شناختی- اجتماعی که در پذیرش و نفوذ اجتماعی درگیر هستند، عبارتند از: ارتباط و مبادله، دیدگاه‌گیری و ساز و کارهای اسنادی (Hart & Risley, 1995: 546).



نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی احساس تنهایی فرزندان بر پایه شیوه‌های حل تعارض والدین و حمایت اجتماعی خانواده در جداول زیر ارائه شده است.

گام اول	B	seB	BeTA	R 2	^R 2
مقدار ثابت	۳۷/۱	۱۱/۵۸	-	-	-
استدلال مادر	-۲/۲۵	۰/۳۴	۰/۶۵۵	۰/۱۱	^^

نتایج رگرسیون به روش گام به گام نشان می‌دهد که ابتدا استدلال مادر بعنوان قویترین متغیر پیش‌بین وارد مدل شده و توانسته ۱۱ درصد واریانس متغیر ملاک (احساس تنهایی فرزندان) را تبیین کند.

گام دوم	B	seB	BeTA	R 2	^R 2
مقدار ثابت	۳۷/۱	۱۱/۵۸	-	-	-
خشونت کلامی مادر	۱/۷۵	۱/۱۴	۰/۵۸۲	۰/۱۹	^^

در گام دوم: خشونت کلامی مادر به مدل اضافه شده و این دو متغیر (استدلال مادر و خشونت کلامی مادر) توانسته است ۱۹ درصد واریانس متغیر ملاک (احساس تنهایی فرزندان) را تبیین کنند.

گام سوم	B	seB	BeTA	R 2	^R 2
مقدار ثابت	۳۷/۱	۱۱/۵۸	-	-	-
خشونت فیزیکی پدر	۱/۹	۰/۳۰	۰/۴۸۰	۰/۲۴	^^

در گام سوم: خشونت کلامی پدر به مدل اضافه شده و این سه متغیر (استدلال مادر- خشونت کلامی مادر- خشونت

بنابراین محققین در این پژوهش، بر آن هستند که به بررسی رابطه بین شیوه‌های حل تعارض والدین و حمایت اجتماعی خانواده با احساس تنهایی فرزندان بپردازند. و اهداف زیر را مورد تحلیل قرار دهند.

یافته‌ها

استفاده از ارائه داده‌ها و استخراج نتایج، به ترتیب جداول زیر بدست آمده است. یک روش آماری که به ما امکان می‌دهد تا نمره یک فرد در یک متغیر را براساس نمره‌های او در متغیر دیگر در صورت همبسته بودن پیش‌بینی کنیم، رگرسیون است. هر چقدر میزان همبستگی بیشتر باشد نمرات به خط رگرسیون نزدیکتر و در نتیجه پیش‌بینی دقیق است.

هدف پیش‌بینی یک متغیر ملاک از چند متغیر پیش‌بین باشد، از مدل رگرسیون چندگانه استفاده می‌گردد. در تحقیقات رگرسیون چندگانه، هدف، پیدا کردن متغیرهای پیش‌بینی است که تغییرات متغیر ملاک را به تنهایی و یا بطور مشترک پیش‌بینی کند.

روش گام به گام پیچیده‌ترین روش آماری است. هر یک از متغیرها بر اساس توالی وارد شده و سپس مقدار آن تعیین می‌شود. اگر اضافه شدن متغیر به مدل کمک کند، باقی مانده. اما در این حالت کلیه متغیرهای باقی مانده در مدل مورد آزمون مجدد قرار می‌گیرند تا مشخص شود که هنوز در موفقیت مدل سهیم هستند. در غیر این صورت حذف می‌شوند.

فیزیکی پدر) توانسته است ۲۴ درصد واریانس متغیر ملاک (احساس تنهایی فرزندان) را تعیین کند.

گام چهارم	B	seB	BeTA	R 2	^R 2
مقدار ثابت	۳۷/۱	۱۱/۵۸	-	-	-
خشونت کلامی پدر	۱/۴۲	۰/۲۳	۰/۴۵۵	۰/۲۸	۰/۰۴

حمایت اجتماعی) توانسته ۳۶ درصد واریانس متغیرهای ملاک را تعیین کند. استدلال پدر نقش معنی‌داری در تبیین واریانس متغیر ملاک (احساس تنهایی فرزندان) نداشته است.

نتیجه گیری

در این پژوهش بعد از جمع‌آوری داده‌ها و انجام فنون و روش‌های آماری مناسب با توجه به فرضیه‌های پژوهشی نتایجی به شرح زیر بدست آمد:

رابطه بین شیوه‌های حل تعارض والدین و حمایت اجتماعی خانواده با احساس تنهایی فرزندان از نظر آماری معنی‌دار بوده و استدلال مادر به عنوان قویترین متغیر پیش‌بین توانسته است، ۱۱ درصد واریانس تنهایی فرزندان را تبیین کند. استدلال پدر نقش معنی‌داری در تبیین واریانس احساس تنهایی فرزندان نداشته است. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های (شاهینی و همکاران، ۱۳۹۱)، (معمدی شلمزاری و همکاران، ۱۳۸۱)، (خوشبین و همکاران، ۲۰۱۲)، همسو می‌باشد. پژوهش‌های مختلف تأثیرپذیری انواع رفتارهای فرزندان از تعاملات و ارتباطات میان پدر و مادر را صحه گذاشته‌اند. روابط نامناسب والدین موجب شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی نامناسب ناخواسته‌ای در فرزندان می‌گردد که سهم عمده‌ای در چگونگی روابط آنان با دوستان و همسالانشان و بطور کلی نحوه پاسخ‌های آنان به موقعیت‌های مختلف خواهد داشت.

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد، نوجوانانی که روابط خوبی با والدین خود نداشته‌اند از عزت نفس پای‌ین- ادراک ناکارآمد از شایستگی و فقدان انگیزش رنج می‌برند.

در گام چهارم: خشونت کلامی پدر به مدل اضافه شده و این چهار متغیر (استدلال مادر- خشونت کلامی مادر- خشونت فیزیکی پدر، خشونت کلامی پدر) توانسته است ۲۸ درصد واریانس متغیر ملاک (احساس تنهایی فرزندان) را تعیین کند.

گام پنجم	B	seB	BeTA	R 2	^R 2
مقدار ثابت	۳۷/۱	۱۱/۵۸	-	-	-
خشونت فیزیکی مادر	۱/۰۳	۰/۷۸	۰/۳۵۶	۰/۳۳	۰/۰۵

گام پنجم: خشونت فیزیکی مادر به مدل اضافه شده و این پنج متغیر (استدلال مادر- خشونت کلامی مادر- خشونت فیزیکی پدر، خشونت کلامی پدر، خشونت فیزیکی مادر) توانسته ۳۳ درصد واریانس متغیر ملاک را تعیین کند.

گام آخر	B	seB	BeTA	R 2	^R 2
مقدار ثابت	۳۷/۱	۱۱/۵۸	-	-	-
حمایت اجتماعی	- ۰/۹۲	- ۰/۳۲	- ۰/۲۶۱	۰/۳۶	۰/۰۳

و در گام آخر: حمایت اجتماعی به مدل اضافه شده و این شش متغیر (استدلال مادر، خشونت کلامی مادر، خشونت فیزیکی پدر، خشونت کلامی پدر، خشونت فیزیکی مادر،



استدلال را داشته باشد و گرنه رفع مشکل به آسانی ممکن نخواهد بود.

در جمع‌بندی کلی از اهداف مورد بررسی که در رابطه بین شیوه‌های حل تعارض والدین و حمایت اجتماعی خانواده با احساس تنهایی فرزندان در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر رشت ارائه شده است، بیانگر این است که بین شیوه‌های حل تعارض و حمایت اجتماعی خانواده‌ها با احساس تنهایی فرزندان، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در بین متغیرهای مورد بررسی (استدلال مادر، خشونت کلامی مادر، خشونت فیزیکی پدر، خشونت کلامی پدر، خشونت فیزیکی مادر و حمایت اجتماعی)، بیشترین رابطه و پیش‌بینی احساس تنهایی در کودکان را متغیر استدلال مادر با ۱۱ درصد به خود اختصاص داده است. از آنجائیکه مادر در شکل‌گیری شخصیت نقش بسیار مهمی دارد و می‌تواند با راهکارهای مختلف و استدلال‌های منطقی توأم با محبت خود، حس تنهایی را در کودکان به حداقل برساند و بعنوان منبع امنیت و آرامش و پناهگاه مطمئنی برای کودکان باشد. همچنان که نتایج این پژوهش و پژوهش‌های هم‌عرض نیز این نتایج را تأیید می‌نماید. از طرفی حمایت‌های اجتماعی خانواده نتوانسته پیش‌بینی‌کننده خوبی برای احساس تنهایی کودکان باشد و این جای تأمل و دقت بیشتری دارد، زیرا حمایت‌های اجتماعی خانواده از فرزندان تأثیر بسزایی در سلامت اجتماعی و روانی کودکان دارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که هر چه شیوه‌های حل تعارض در بین والدین علمی‌تر و مبتنی بر شیوه‌های روانشناختی باشد به همان اندازه کودکان از آرامش و اعتماد بالاتری، برخوردار خواهند بود. همچنین

شیوه‌های مختلف برای حل مسئله وجود دارد که بعضی از این شیوه‌ها کارآمد است و تعارض را حل کرده یا کاهش کمی دهد. و برعکس، اگر شیوه بکار برده شده ناکارآمد باشد می‌تواند منجر به تخریب روابط و مشکلات هیجانی اجتماعی و سازگاری افراد گردد. از جمله شیوه‌های حل تعارض ناکارآمد پرخاش بمنظور حل تعارض است. پرخاش در تعارضات در بر دارند.

رفتارهایی است که اغلب حالت ناگهانی داشته و عکس‌العمل‌های عاطفی خارج از کنترل را در بر می‌گیرند. این کسب تعارض را در شکل منفی نشان می‌دهد که می‌تواند مشکل از درگیری‌های کلامی یا فیزیکی باشد که با هدف تحمیل انطباق یا کناره‌گیری انجام می‌شوند. کناره‌گیری مشتمل بر رفتارهایی مثل خفه شدن و رد مرگ و نه صحبت اضافی است. این کسب بیشتر با گریز یا اجتناب از موقعیت مسئله‌ساز از طریق پرهیز از تعرض-خاموش ماندن و دور شدن از همسر است. انطباق مشتمل بر رفتارهایی است که در آن فرد بنظر می‌رسد، تلاش کمی برای اظهارنظرات خود پیرامون مسئله دارد. این سبک مشتمل بر رفتارهای اجتنابی است که بصورت مصالحه و پذیرفتن خواسته‌های طرف مقابل است. گفتگو و بحث استدلالی در مورد مشکلات و تعارضات می‌تواند از شیوه‌های کارآمد حل تعارض باشد. گفتگو نکردن در مورد مشکل بوجود آمده نه تنها مشکل را حل نخواهد کرد، بلکه مشکل را بقوت خود باقی می‌گذارد. نتیجه اینکه می‌خواهند مشکل را از طریق بحث کردن حل نمایند کمک بسیاری می‌کند تا از توانایی استدلال بهره‌گیرند و تعارضاتشان را رفع نمایند. بخصوص آنکه طرف مقابل هم باید توانایی

- با توجه به نقش رسانه‌های گروهی و جذابیت آنها برای خانواده‌ها و نوجوانان، می‌توان با برنامه‌ریزی مناسب در این زمینه، بخشی از آموزش خانواده‌ها و نوجوانان را انجام داد؛
- در مدارس جلسات آموزشی منظم و مناسب برای خانواده‌ها برگزار گردد؛
- جلوگیری از افزایش فرهنگ تک فرزندی؛
- توجه به نقش موثر حمایت‌های اجتماعی خانواده‌ها بیشتر گردد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آقا محمدیان، حمیدرضا و مهران حسینی (۱۳۸۴)، **روانشناسی بلوغ و نوجوانی**، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۲- پورعبدی، محمد (۱۳۸۱)، بررسی ارتباط بین نگرش به شیوه‌های فرزندپروری مادر و ادراک فرزند از آن شیوه‌ها با مکان کنترل و خودپنداره دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- ۳- خوشبین، اعظم و همکاران (۱۳۸۰)، «ارتباط بین احساس تنهایی و حمایت اجتماعی در زوجین ناباور»، **نشریه پرستاران ایران**، دوره ۱۳، شماره ۲۶.
- ۴- رضایی، محمد (۱۳۷۵)، **بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری مادران با بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، (چاپ نشده)، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- ۵- زابلی، پریسا (۱۳۸۳)، **سنجش سودمندی روش نمایشگری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض دختران با مادران دانش‌آموز سال اول دبیرستان‌های منطقه ۲ تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه خاتم.

این اتفاق در مورد حمایت‌های بموقع و سازنده‌ی اجتماعی خانواده نیز کمک می‌کند تا کودکان حس تنهایی در خود نداشته باشند. نوع رابطه‌ی بین دو متغیر مستقیم بوده و شدت رابطه بین آنها در سطح خوبی قرار دارد.

آنچه از این پژوهش و سایر پژوهش‌های هم‌عرض با آن در داخل و خارج از کشور صورت گرفته نشان دهنده آن است که توجه به شیوه‌های حل تعارض و حمایت اجتماعی والدین از فرزندان در جامعه خصوصاً در خانه و فضاهای آموزشی، که پایه و اساس ایجاد شکل‌گیری شخصیت و استقلال در آنان است، نقش بسیار مهمی در فرایند آموزشی و تربیتی دارا می‌باشد. ساختار خانواده تأثیر مهمی در رشد عاطفی- اجتماعی نوجوان دارد. روابط پدر و مادر با یکدیگر و یا فرزندان، نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت روانی نوجوان برجای می‌گذارد. اگر این روابط براساس درستی استوار باشد می‌تواند نوجوان را در گذار از این مرحله‌ی دشوار، یاری رساند. برعکس، با نامناسب بودن روابط خانوادگی، زمینه برای ایجاد مشکلات و انحرافات فراهم می‌گردد. در پایان پس از بررسی و جمع‌بندی این تحقیق و تحقیقات هم‌مسو با آن موارد بعنوان پیشنهاد به منظور توجه مسئولین ذیربط خصوصاً دخیل در امر تعلیم و تربیت ارائه می‌گردد.

پیشنهاد می‌گردد:

- توجه خاص به نقش دختر بعنوان مادر آینده در کلاس‌های آموزش قبل از ازدواج؛
- اطلاعات لازم به خانواده‌ها و نوجوانان از طریق رسانه‌های گروهی به گونه‌ای جالب، مستمر و مناسب ارائه گردد؛



۱۵- هیبیتی، خلیل (۱۳۸۱)، بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان دختر و پسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، (چاپ نشده)، شیراز: دانشگاه شیراز.

۱۶- یزدان‌پناه، محمدعلی (۱۳۹۱)، «نقش سبک‌های حل تعارض والدین و سازگاری اجتماعی و شیوه‌های حل مسأله اجتماعی فرزندان، رفاه اجتماعی»، مجله روانشناسی، دوره ۱۲، شماره ۴۷.

لاتین:

- 1- Alestrom. & et al (2000). Relationship between Parents strict discipline models and depression in delinquent and non-delinquent, *Journal of Abnormal Psychology*, Vol 25, 505-528.
- 2- Allison & Schultz (2004). Parent-adolescent conflict in early adolescence, *Adolescence*, spring; 39 (153):101-109.
- 3- Aquilino & Supple (2001). *Long-term effects of parenting practices during adolescence on well0being*.
- 4- Cole, PM (2003). *The developmental course from child effects to child effectiveness*, In A. C. Crouter & A.
- 5- Dill, Anderson (1998). Loneliness, shyness, and depression: the etiology and interrelationships of everyday problems in living. Chapter in T. Joiner and J.C. Coyne (Eds), *the interactional nature of depression: Advances in interpersonal approaches*, Washington, D.C: APA.
- 6- Doyle, Anna & Others (2003). Family relationships as moderators of the association between romantic relationships and adjustment in early adolescence, *Journal of early adolescence*, vol. 23.
- 7- Elhagee, A. (2004). Effect of Interaction between Parental Treatment Style and Peer Relations in Classroom on the Feelings of Loneliness among Deaf Children in Egyptian Schools, *Unpublished M.D Dissertation, eberhsrd-karls-university*.
- 8- Elliot, A & Others (2002). Approach avoidance motivation in personality, *Journal of Personality & Social Psychology*, 82(5).

- ۶- سموعی، راحله (۱۳۸۲)، «بررسی نوع، میزان و علل پدیده گسست ارتباطی بین دانش‌آموزان دوره راهنمایی و اولیای آنها در شهر اصفهان»، سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- ۷- شاهینی، نجمه و همکاران (۱۳۹۱)، «بررسی همبستگی حمایت اجتماعی، احساس تنهایی و رضایت از زندگی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۸۹»، نشریه پژوهنده، دوره ۲، شماره ۷.
- ۸- کرامتی، هادی (۱۳۸۴)، «بررسی و مقایسه کارکرد خانواده و سیمای روانشناختی فرزندان شاهد»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، دوره ۴، شماره ۱۱.
- ۹- کورش‌نیا، مریم (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر ابعاد الگوهای ارتباط خانوادگی بر میزان سازگاری روانی فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- ۱۰- مرادی، امید و ثنایی، باقر (۱۳۸۵)، «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسأله بر تعارضات والد - فرزند در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر تهران»، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاور، دوره ۵، شماره ۲۰.
- ۱۱- معتمدی شلمزاری، عبدالله و همکاران (۱۳۸۱)، «بررسی نقش حمایت اجتماعی در رضایتمندی از زندگی، سلامت عمومی و احساس تنهایی در بین سالمندان بالاتر از ۶۰ سال»، مجله روانشناسی، دوره ۶، شماره ۲۲.
- ۱۲- میرزاجانی، صدرا (۱۳۹۴)، تأثیر تعارضات بین والدین و فرزندان و راههای کاهش آن در خانواده و اجتماع، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی، ترکیه: موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلیا.
- ۱۳- هرمن چارلز، فیشمن و سالوادور، مینوچین (۱۳۸۴)، فنون خانواده درمانی، مترجم: فرح سیا، تهران: انتشارات رشد.
- ۱۴- هواسی، ناهید (۱۳۸۰)، بررسی و مقایسه روشهای فرزندپروری در خانواده‌های دارای نوجوانان معتاد و خانواده‌های دارای نوجوانان عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، (چاپ نشده)، تهران: دانشگاه الزهرا.



- 22- McDonald, B (2011). Changes in Dyadic Coping and Distress among Couples Facing Unemployment, *Washington University in partial satisfaction of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy*, Proquest LLC.
- 23- Moore, Schultz (1983). Loneliness and adolescence: Correlations, attributions and coping, *Journal of youth and adolescence*, 12.
- 24- Pehlivan & Others (2011). Relationship between hopelessness; loneliness; and perceived social support from family in Turkish patients with cancer, *Support care cancer*. 20 (4).
- 25- Petersen, A. (1988). Adolescent development. *Annual Review of Psychology*.
- 26- Sara fino; Edward (1998). *Health psychology; third edition*, New York: John Wiley & Sons.
- 27- Shiner & Caspi (2003). Personality differences in childhood and adolescence: Measurement, development, and consequences, *Journal of Child Psychology and Psychiatry*.
- 28- Siffert & Schwarz (2011). Parental Conflict Resolution Styles and Children's Adjustment: Children's Appraisals and Emotion Regulation as Mediators, *the Journal of Genetic Psychology: Research and Theory on Human Development*. 172 (1).
- 9-Fitzpatrick, M & Korner (2004). *Family communication schema effect on children's resiliency running head: family communication concepts*, Honoring Jack M. McLeod.
- 10-Foley, M & Others (2008). *The relationship between Attention Deficit*.
- 11- Fraley, R. C & Others (2000). An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment, *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(2).
- 12-George, M.E (2004). *Relations between parenting style and children*, social status: Unpublished, Clinical Psychology Review, 10.
- 13- Glidin, L.M & others (2006). Personality, coping style and well-being of parents rearing children with developmental disabilities, *Journal of intellectual disability research*, 12.
- 14- Gottman, J & Others (1989). Marital interaction and satisfaction: a longitudinal view, *Journal of consulting and clinical psychology*, 57.
- 15- Gottman, J. M. & Driver (2014). What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes, *Psychology Press*.
- 16- Gottman, J. M., & Levenson, R. W (2000). The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14 year period, *Journal of Marriage and Family*, 62(3).
- 17- Hart, C, & Risley (1995). Meaningful differences in the everyday experience of young American children, *Baltimore MD: Brooks Publishing*.
- 18- Hatrup, W & Laurson, B (1993). Conflict and context in peer relations. In Hart (Ed) *Children on playgrounds: Research and perspectives and applications*, Albany NY: SUNY Press.
- 19- Laible, D & Thompson (2002). Mother-child conflict in toddler years: Lessons in emotion, morality, and relationships, *Child Development*. 73.
- 20-Lamborn & Others (1991). *Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families*, Child Development, 62.
- 21- Mas-Baga, M (2000). REBT in a therapeutic community: REBTC. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive- Behaviour Therapy*. (3). 8.